

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه‌ها

زمان: پنجشنبه‌ها ۰۷ بهمن ماه ۱۴۰۰

عنوان: رونمایی کتاب مرجع معماری داخلی (امیر جلیلی)

اعضای میزگرد: عبدالرضا محسنی، امیر جلیلی و محمدمهدی محمودی

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها

محمودی: سلام خدمت شما عزیزان از اندیشکده هرمپی در زمستان هزار و چهارصد عرض می‌کنم. نشست امروزمان یک‌صد و هفتاد و پنجمین با عنوان رونمایی «کتاب مرجع معماری داخلی» اثر جناب آقای دکتر امیر جلیلی است. تا الان نشست‌هایی که ما داشتیم یا موضوعی بوده یا گفتگو با بزرگان هنر و معماری و این بار یک موضوع جدیدی هم اضافه کردیم با عنوان رونمایی از کتاب‌های با ارزش که همان‌طور که خدمتتان گفتم کتاب با ارزش آقای دکتر جلیلی «کتاب مرجع معماری داخلی» کتابی است که ملاحظه می‌فرمایید و امروز در مورد این کتاب من و دوست مشترکمان جناب آقای دکتر محسنی صحبت می‌کنیم. خدمت آقای دکتر محسنی و آقای دکتر جلیلی سلام عرض می‌کنم.

محسنی: من هم سلام عرض می‌کنم خدمت معمار بزرگ استاد همه، آقای دکتر محمودی و چقدر خوشحالم که من هم دعوت شدم تا در این میزگرد با معرفی افتخار حضور داشته باشم ممنون هستیم و به آقای جلیلی هم سلام می‌کنم.

جلیلی: من هم خدمت آقای دکتر محمودی و آقای دکتر محسنی عزیز سلام می‌کنم و خیلی خوشحال هستم که کنار هر دو شما هستم و می‌خواهم تشکر کنم از جناب دکتر محمودی برای اینکه مایه مباهات و افتخار بزرگی است که آیین این رونمایی توسط شما انجام شود از آقای دکتر محسنی هم می‌خواهم تشکر کنم به خاطر تمام دوستی، همراهی و حمایت‌هایشان و یک بخش خیلی مهم از این کتاب واقعاً مدیون زحمات ایشان است برای اینکه بسیار در گردآوری آن به من کمک کردند هم‌فکری و هم زحمات بسیار زیادی را متقبل شدند که من می‌دانم، شما می‌دانید و ایشان می‌دانند دیگر از ذکر تک‌تک آن‌ها فاکتور می‌گیرم و خیلی خوشحالم که در کنار شما هستیم.

محمودی: بسیار عالی. آقای دکتر با توجه به زمینه کاری و آموزش شما همه می‌دانند که در دو بخش حرفه و تدریس روی معماری داخلی بسیار کار کردید و دوستان بسیار زیادی زیر نظر شما تعلیم پیدا کرده‌اند به همین دلیل حتماً نیاز این کتاب را حس کردید و تألیف این کتاب را شروع کردید. اولین سؤال من این است که آیا واقعاً کتاب‌های قبلی توسط شما و یا دیگر بزرگان روی معماری داخلی انجام شده و شما ادامه‌ی مسیر را می‌دهید یا نه این کتاب اول است؟

جلیلی: باید عرض کنم که در زمینه‌ی معماری کتب بسیار زیادی گردآوری شده، تدوین شده و ترجمه شده است چه به لحاظ تاریخی و مبانی نظری ممکن است در هر کدامش به اختصار در مورد معماری داخلی هم گفته شده باشد ولی تا امروز که من در کنار شما هستم به شکل تخصصی کتابی را ندیدم که مثل این کتاب بدون آنکه از معماری وام بگیرد بدون اینکه نسبت معماری داخلی را

با نسبت معماری بخواهد در نظر بگیرد محتوایی را به لحاظ تاریخی با دیدگاه نویسنده و به خصوص به لحاظ مبانی نظری در ایران داشته باشیم برای اینکه عمده‌تاً من فکر می‌کنم که در حوزه معماری داخلی هر کتابی به‌عنوان نگارش برداشته شود توسط هر یک از دوستان قدم بسیار مهمی است به دلیل فقر این کتاب‌ها که شاید یکی از مهم‌ترین دلایلی می‌توان گفت پیشرفت خیلی تخصصی خیلی جدید رشته معماری داخلی به صورت مستقل است و نه در وابستگی با معماری به همین دلیل است که من فکر می‌کنم که این کتاب یا هر کتابی در این حوزه بسیار می‌تواند برای علاقمند و به خصوص دانشجویان راهگشا باشد. اما با اینکه من سعی می‌کنم کتاب‌هایی را در زمینه معماری داخلی پیدا بکنم برای اینکه بتوانم منابع به دانشجویان بدهم و حتی خودم مطالعه کنم تاکنون کتابی خیلی با نگاه تا این حد تخصصی و موشکافانه پیدا نکرده‌ام اما در زمینه کتب معماری داخلی همان‌طور که رشته و وظیفه‌ی من ایجاب می‌کند سعی می‌کنم که خیلی به‌روز باشم و مطالعه کنم کتاب‌های کلایو ادواردز از یک‌بار مفهومی بسیار متفاوتی برخوردار هستند که می‌توانم بگویم من بیش از ده کتاب از ایشان خواندم و الان که با شما صحبت می‌کنم کتابی را در حال ترجمه کردن هستم که تاریخی نیست و بسیار فلسفی است به نام "interior design a critical introduction" خیلی کتاب خوبی است و خیلی مبانی نظری ساده، روان و فصیحی دارد و به نظرم خیلی می‌تواند کتاب پایه‌ای و البته تخصصی برای معماران داخلی باشد کتاب‌های خیلی زیادی از ایشان خواندم مانند "The Encyclopedia of furniture" که نشان می‌دهد خیلی نگاه مقطع‌وار تاریخی دارند مثلاً کتاب معماری داخلی قرن هجدهم و کتاب مبلمان ویکتوریا که می‌خواهم بگویم خیلی از گذارهای تاریخی را ایشان بررسی و به کتاب تبدیلشان کرده است و نکته‌ی خیلی مهم در مورد کتاب‌های ایشان تفاوت نگرش‌شان است به لحاظ ثبت تاریخ برای اینکه ما کتاب‌های تاریخ زیاد خواندیم و حتی کتاب‌هایی خواستند سبک‌شناسی را توضیح بدهد و تاریخ را به‌جز سبک‌شناسی توضیح دهد و یا این دو را با هم توضیح دهد اما هیچ کدام به جز نگاه ظاهری وارد نگاه مفهومی و کانسپتچوئال نشده است ایشان در هر کتابی که می‌نویسد در کنار وجوه ظاهری خیلی آلوده‌ی مفاهیم فرای آن چیزی که بصری هست می‌شود یعنی خیلی من فکر می‌کنم که به صورت embodiment با هر یک از سبک‌ها رفتار می‌کند و هر کدام از این تاریخ‌ها رفتار می‌کند انگار که تمام احساس را درگیر می‌کند با مقوله‌ی سبک و تاریخ از این نظر بسیار نویسنده قهار است و می‌توانم بگویم هر کدام از کتاب‌های ایشان که من خواندم و شاید دلیل اول برای ترجمه‌ی این کتاب هم همین بود این است که اول پنجره‌ی جدیدی به روی خود من باز می‌شد و این کتاب به خصوص برای اینکه وجوه معاصریت دارد و در واقع تاریخی را می‌گوید که به ما نزدیک است، قرن بیستم را بررسی می‌کند یعنی دهه‌های پایانی بیست سال یا سی سال با ما فاصله دارد و دوم اینکه در اواسط کتاب به بعد با سبک‌هایی مثل پست مدرنیسم ما را آشنا می‌کند به لحاظ مبانی که همین امروز هم ما با آن درگیر هستیم و در چه کتابی ممکن است ما اندیشه‌های نورمن فاستر را به لحاظ معماری داخلی ببینیم بدون اینکه معماری در آن لحاظ شود؟ در چه کتابی ممکن است که ساختمان‌های خیلی معروف را بررسی کنیم بدون نگاه معماری داشتن یعنی از لحظه‌ای که وارد می‌شویم بخواهیم بررسی کنیم؟ به نظر من از این حیث خیلی برای من جالب بود و اهمیت داشت و فکر می‌کردم که حتماً این کتاب را باید ترجمه کنم و مواردی را به آن اضافه کنم که از نظر خودم است و به سبک خودم تبدیلیش کنم و چاپش کنم شاید دلیل اولی که این کتاب باید چاپ شود این بود همین نگاه متفاوت بود که واقعاً توصیه می‌کنم به همه تا کتاب کلایو ادواردز را بخوانند چون کسی هست که نگرش آن با بقیه نویسندگان در حوزه به خصوص تاریخی، اجتماعی و فرهنگی کاملاً متفاوت است.

محمودی: جالب است آقای دکتر هم در خصوص سؤالی که من عرض کردم فرمودید و همین‌طور کتاب‌های دیگر را قشنگ

معرفی کردید که چگونه تأثیر در تدوین این کتاب توسط جنابعالی گذاشتند. آقای دکتر محسنی شما چه سؤالی دارید؟

محسنی: من سلام مجدد می‌کنم و از اتفاقی که افتاده خیلی خوشحال هستم. من فکر می‌کنم که یک سیر تحولی در این کتاب هست که آقای جلیلی زحمت کشیدند و ترجمه کردند آن هم این است که یک دسته‌بندی خاصی دارد و از این منظر من از آقای جلیلی این سؤال را دارم که چگونه این دسته‌بندی اتفاق می‌افتد و از چه تاریخی تا چه تاریخی است و نکته‌ای که هست این است که در این دسته‌بندی ما متوجه می‌شویم چگونگی تأثیر سبک‌ها بر همدیگر برای مثال استادی به اسم مکینتاش گرایشی در تولید عناصر داخلی دارد مثل صندلی و عنصر دیگر در سال ۱۹۰۲ و یک‌دفعه در خانه‌روبی شیکاگو اثر رایت که در هشت سال بعد مدل آن را می‌بینیم و این تطابق برای مخاطب و دانشجو خیلی مهم است که این سیر تحول چگونه اتفاق می‌افتد که وقتی یک هنرمندی که طراح و تولیدکننده یک اثر است در سال‌های بعد روندی که پیدا می‌کند در یک جای دنیا به دست می‌آید. این تطابق خیلی برای من و حتماً برای دانشجویان هم مهم است که این روند را ببینند چون فکر می‌کنم ادواردز حدوداً صدسال را بررسی می‌کند ولی می‌خواهم از نگاه آقای جلیلی ببینم که چگونه به این اتفاق توجه می‌کنند.

جلیلی: بله این خیلی اهمیت دارد که یکی از تفاوت‌های نگاه ایشان همین است که این کتاب در ده فصل داریم و هر دهه را شاید خیلی روایت‌گونه یا داستان‌گونه قصه‌ی معماری داخلی را در ادوار مختلف این یک قرن آقای ادواردز به نمایش می‌گذارد و به نظر من وقتی می‌خوانم مثل میزانشن و تئاتر است که چه اتفاقی می‌افتد و این چیزی که آقای محسنی می‌گویند خیلی درست است اینکه کاری را شما می‌بینید سی سال پیش شده و بعد از سی یا چهل سال بعد از آن کار اقتباس و الهام گرفته‌شده و حتی به ترتیبی دیگر اجرا شده است. این اقتباس، انطباق و الهام گرفتن را کلایو ادواردز یاد می‌دهد و می‌گوید که در گذشته هم این اتفاق می‌افتاده و امروزه هم کسی اثر هنری می‌خواهد ایجاد کند چگونه می‌تواند با رویکرد تاریخی این کار را انجام دهد، نگاه به گذشته چه تأثیری در کار امروز دارد. کاری که می‌کند این است وقتی شما هر دهه را می‌خوانید نمی‌دانم چگونه هست این حس به شما القا می‌شود که دقیقاً در آن دهه هستید و به‌قدری تمام این میزان‌ها در کنار هم خوب قرار می‌گیرد و شکل می‌گیرد که شما خودتان را برای مثال در دهه پنجاه حس می‌کنید و می‌بینید کسانی که بودند چگونه از قبل وام گرفتند و چه از آن خودسازی‌ای کردند تا تبدیل کنند به هنر معاصر و بنابراین این خیلی نکته مهمی است که ما همین امروز هم که داریم استفاده می‌کنیم چگونه می‌توانیم از تاریخ هم معاصر، هم کمی دورتر از معاصر (در اوایل قرن بیست) و حتی از تاریخ کثیر چقدر می‌توانیم همسان‌سازی در ایران کنیم نکته‌ای که دلم می‌خواهد در اینجا در موردش صحبت کنم، واقعاً از این دست تجربه در ایران نداریم و واقعاً کاش کسانی باشند، خودم که خیلی دلم می‌خواهد این کار را انجام دهم و تمام کسانی که در نوشتن و گردآوری کردن، اصولاً در پژوهش دستی دارند، این را به‌عنوان یک سرمشق و الگو بگیرند و این‌چنین چیزی را برای ایران درست کنند ما در ادوار مختلف تاریخ ایران چه در کلاسیک و چه در معاصر بسیار شبیه این را داریم که مثلاً در دهه چهل یا پنجاه شمسی هرکدام از معماران چه وام‌های به‌جایی شاید از ده سال و شاید از صدها سال گذشته گرفتند و چه معماری فاخری ایجاد شده ولی ما در موردش اطلاعات خیلی زیادی نداریم. این را می‌خواهم بگویم که درست است این کتاب در مورد غرب است و تاریخ آن را بررسی کرده است، ولی این معاصر بودن واقعاً در تاریخ معماری که معماری ما هم بیشتر از معماری داخلی است و چون می‌گویم به هر حال خیلی جوان است، ولی به‌عنوان معماری می‌تواند به‌صورت دهه‌وار بررسی شود برای اینکه تمام کتاب‌هایی که من تا به حال خواندم و تعداد کتاب‌های تاریخی که خواندم هم کم نیست همه براساس سبک‌ها یا تاریخ‌ها هست مثل کتاب جان پایپ که از پیش از تاریخ شروع می‌کند و بعد براساس سبک‌ها یعنی نمونها و یا بازنمایی‌های ظاهری تقسیم به گوتیک، رنسانس و باروک می‌کند و تمام که می‌شود به قرن بیست می‌رسد و آرت نوو، آرت دکو، مدرنیسم می‌کند و باوهاوس را توضیح می‌دهد. منظور این است که همه براساس سبک هست و هیچ‌کدام براساس زمان نیست که هر ده سال تمام این آثار را بررسی کنیم

و بعد شباهت‌ها و تفاوت‌ها را جدا ببینیم و اینکه تا چه حد از گذشته الگوبرداری شده است و این چه سهمی برای آینده دارد. متشکرم که این سؤال را کردید خیلی سؤال و نکته‌ی خوبی بود و می‌توانم بگویم این یک الگوی درست و به‌جایی هست حتی برای اینکه ما بتوانیم تاریخ معاصر کشور خودمان را بچینیم و بتوانیم از آن استفاده کنیم.

محمودی: صحبتی که آقای دکتر داشتید این است که این کتاب معماری داخلی غرب است و همین ده فصلی که اشاره فرمودید تقسیم‌بندی‌ای که شده از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۹۹ آمدید و هر فصل را به‌عنوان آن دهه‌ها معرفی کردید. سؤال من این است که در کدام یک از این فصل‌ها با کمبود اطلاعات روبه‌رو بودید و آیا این کمبود اطلاعات در آن دوره یک رکودی بوده است در غرب که معماری داخلی‌اش چیزی نداشته است یا حتی در کدام دوره یا کدام فصل شما با مدارک بسیار زیادی روبه‌رو شدید که این مدارک نشان می‌دهد که چه اتفاقی در غرب افتاده که معماری داخلی خیلی در آنجا شکوفا شده است آیا از نظر شما ده سال ده سال‌ها مساوی است یا نه یک انقلابی در جایی از این صدسال اتفاق افتاده است؟

جلیلی: همین‌طور که برای خودم تمام این فصول را مرور می‌کنم یکی از تطابق‌های تاریخی که بسیار تأثیرگذار و در جایی باعث رکود و بلافاصله باعث رشد دو چندان شده جنگ‌های جهانی است و این دو واقعه بسیار بزرگ است. اضافه کنم که این کتاب برای خودم من پر از نکات جدید بود به دلیل اینکه چه ما در دانشگاه و چه در حوضه‌ی مطالعه بیشترین اطلاعاتی حتی در مورد تألیفات غربی داشتیم توضیحات و شناخت در مورد سبک‌های معماری بود این همه نگاه به معماری داخلی، متریال، رنگ و mood board که ما مثلاً در یک ده سال mood board سرد استفاده می‌کردیم که چقدر جالب است و این را خود من هم نمی‌دانستم و بعد می‌دیدم که بله از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ این اتفاق می‌افتاده و دلایلش را می‌نویسد و خیلی جالب است که می‌گویند. از نظر من این دلایل را دارد یعنی باز می‌گذارد موضوع را برای این شما تفسیر کنید تا قسمتی را من هم تفسیر کردم و اضافه کردم و به نظر خودم کار جالبی بود. اما نکته‌ی خیلی مهم برای من این است که آنقدر نکات جدید داشت که می‌توانم به شما بگویم معماری داخلی را من یک‌بار دیگر با این کتاب تجربه کردم اما جنگ‌ها بی‌تأثیر نبودند و یک نکته دیگر اینکه در سال ۱۹۶۰ که مینیمالیسم و فلسفه پست‌مدرنیسم را داریم و ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ شکوفایی بیش از حد پیش هنر معماری داخلی را ما در این کتاب لمس می‌کنیم و کاملاً همان‌طور که جلو می‌رویم می‌بینیم که با این تطابق تاریخی به لحاظ تئوری‌ها و مبانی نظری معماری چقدر این حجم بالای توجه به معماری داخلی زیاد می‌شود یعنی آن دو اتفاق در مقابل رویدادهای اساسی نیمه‌ی دوم قرن بیست کاملاً در تضاد خیلی عجیبی هستند و این در کتاب نکته‌ی خیلی بارزی است که می‌توانیم به آن برسیم و نکته‌ی دیگری که مایل هستم اینجا در موردش صحبت کنم این است که همیشه برای من سبک‌شناسی و طراحی براساس سبک به‌عنوان یک جای خالی و حفره‌ای در کشور خودمان هست و این نشان می‌دهد که چقدر این نگاه طراحی براساس سبک و نگاه تاریخی چقدر می‌تواند راهگشا باشد و نکته‌ی دیگر که در مقدمه اشاره می‌کند، به‌عنوان زبان معماری داخلی علاوه بر موضوعات مثل فرهنگ، موضوعات سیاسی مانند جنگ‌ها، موضوعات اقتصادی مانند رکود و موضوعات اجتماعی مانند بارور شدن که اینها را در نظر می‌گیرد. دو عنوان جالب را هم در کنارشان در نظر می‌گیرد یکی زبان معماری داخلی که این دقیقاً همان چیزی است که می‌بینیم در دنیا چقدر باعث می‌شود که معماری یک کشور سهم بسزایی در معماری جهان با زبان معماری داشته باشد و این همیشه نکته‌ای بود که من فکر می‌کنم در کشور خودم به لحاظ معماری داخلی و نه به لحاظ معماری که ما این سهم را به‌صورت جهانی نداریم و به همین دلیل می‌گویم که این کتاب برای من بسیار راهگشا و هدفمند بود.

محمودی: من می‌خواهم سؤال بعدی را آقای دکتر محسنی مطرح کنند و قبلش می‌خواهم همین تقسیم‌بندی را از خود آقای

محسنی بپرسم یعنی جالب است که آقای دکتر جلیلی شما فرمودید که در قرن گذشته نیمه‌ی دوم واقعاً شکوفایی معماری داخلی بود. آقای دکتر محسنی شما هم که پیشکسوت در معماری داخلی هستید قبل از سؤالتان از آقای دکتر جلیلی نظر خودتان را در این خصوص بگویید.

محسنی: بله خیلی ممنونم از توضیحات امیر عزیز. من اول می‌خواهم از سؤالی شروع کنم که تأثیر تهیه‌ی این کتاب چقدر بر پیش و دنبال کردن معماری داخلی در افراد تأثیر می‌گذارد. اولاً من می‌دانم چه مشکلاتی داشتند که خود آقای دکتر جلیلی خواهند گفت. ولی ما یک نکته‌ی بسیار مهم در معماری داخلی داریم و آن رنگ هست یعنی هرچقدر ما تصاویر خوب داشته باشیم ولی بدون رنگ معماری داخلی نمی‌تواند منطبق بشود و مثالش را که خود آقای دکتر جلیلی بهتر می‌دانند، نورمن فاستر یک کار عجیب و غریبی در رستورانی در لندن می‌کند و آن رنگ است که نشان می‌دهد او چه نظراتی داشته و که آن تحول اتفاق می‌افتد ولی ما این چیز را نداریم و من می‌خواهم بعداً خود دکتر این توضیح دهند که چقدر این مهم است البته راه‌حل‌هایش را هم پیدا کردند و مخاطب با یک اشاره با موبایل آنها را می‌تواند رنگی ببیند و این تطابق که انسان دارد همزاد پنداری می‌کند و می‌خواند خیلی مهم بود و امیدوارم به‌جایی برسد که سری بعد را آقای دکتر بتوانند این کار را انجام بدهند. ما در معماری داخلی پلان و مقاطع غیر رنگی اصلاً نداریم که معماری داخلی با آخرین مرحله تحویل یکی شده است که قرار است طرح چه رنگی شود و چه تأثیری نور بر روی رنگ، حتی رنگ بر روی نور و روی روحیات انسان می‌گذارد که این خودش یک بحث اصلی در معماری داخلی است. در آن مبحث که آقای دکتر به من محول کردند که واقعاً خیلی زحمت کشیدند، سه سال هست روی این کتاب که کار می‌کنند و من هم چون علاقه‌مند بودم و از ایشان خواهش کردم من هم بتوانم کمک کنم، این بحثی که شما کردید را من یک دسته‌بندی ده‌تایی کردم که ببینید معماری داخلی تحت تأثیر چه عواملی می‌تواند تغییر کند، رشد کند و حتی فراتر برود یعنی کارهای اضافه‌تری هم انجام دهد و این دانشی که بتواند کسی این‌ها را تطبیق دهد و یک انسان دانشمندی آن را تهیه کند که آقای ادوارز به این زیبایی بتواند تطبیق دهد. کسان دیگر نقطه نظراتشان را بگویند که چگونه دیدند و چگونه افراد دیگر باید دیده بشوند. من همین‌طوری فهرست‌وار جلو می‌روم، می‌گویند دهه اول تنوع سبک‌ها، دهه دوم سایه جنگ جهانی اول، دهه سوم پیوند هنرها ببینید که تا چه حد این کتاب راهنمایی می‌کند که این بین رشته و تمام رشته‌ای که باوهای پایه‌گذار آن توسط گروپیوس است. حالا در معماری داخلی چگونه مطرح می‌شود، دهه چهارم تحولات سیاسی که می‌بینیم تحولات سیاسی در دهه‌ی چهارم بر معماری داخلی اثر می‌گذارد، دهه پنجم تأثیر مواد و مصالح نوین در جنگ جهانی دوم، دهه‌ی ششم مصرف‌گرایی و تخیل می‌بینید که اجتماعی که زندگی می‌کنند چگونه تأثیر می‌گذارد بر فضاهای عمومی یعنی چگونه آن را می‌بینند، دهه‌ی هفتم سفر به ماه و تضاد خود اینکه انسان می‌تواند از کره‌ی خودش بیرون برود می‌تواند روی معماری داخلی حتی روی مصالح و مواد تأثیر می‌گذارد، دهه‌ی هشتم بحران نفت و فردگرایی چون دیگر پولدار بود و به فردگرایی رسیدند و آن بحران نفت چه تأثیری می‌تواند در انتخاب‌های حتی نهایی بگذارد دهه‌ی نهم انسان و زندگی در لحظه فارغ از همه‌چیز، دهه‌ی دهم هیجان و رونق اقتصادی یعنی قرن بیستمی ما می‌بینیم که همه هیجان‌زده شده‌اند و تمکن مالی دارند و من اتفاقاً می‌خواستم از شما یک تشکر بزرگ کنم که همین مراحل که ما رفتیم و آقای دکتر جلیلی به‌خوبی جمع‌آوری کردند در سه جلسه شما دعوت‌مان کردید و تطابق دادیم و گفتیم حالا این صدسال در ایران چه اتفاقی افتاده بود یعنی از سال ۱۲۸۰ تا صدسال بعدش در ایران چگونه این دو باهم کار می‌کردند. خیلی دوست دارم با توجه به اینکه این کتاب مطرح‌شده و دوستان این را مطالعه می‌کنند یک‌بار دیگر یک روزی با یک جمع بزرگ‌تری بگویم خوراکی که ما در آن سه جلسه گذاشتیم و یک کتابی از آن درآمد که اینجا به جامعه معرفی می‌شود و هرکسی آن را تهیه خواهد کرد چگونه نتیجه داده و ما در کجا هستیم و باعث خوشحالییم هست که من هم دعوت شدم و یک گوشه‌ای

از کار را گرفتیم و خودم خیلی رضایت دارم. البته این چند صفحه‌ی ناقابل حدود یک سال طول کشید و حالا خوبی‌اش به این است که کرونا کمک کرد و ما همه‌ی زمان خانه بودیم و تلفنی صحبت می‌کردیم که می‌گفت چه کردیم، چی شد و کجا رسیده است و من می‌گفتم این باید به شعر سپید در بیاید و خداوند لطف کرد و این خوش‌قلبی آقای جلیلی باعث شد که من هم سر ذوق بیایم و این کار را بکنم، حالا اگر خود آقای جلیلی بحث رنگ را پیش بیاورند خیلی خوشحال می‌شوم. ممنونم آقای دکتر.

جلیلی: قبلش می‌خواهم بگویم که در مدت شروع کرونا بود و شما هم زحمت کشیدید و بعد اینکه ما تصمیم گرفتیم که آن مطالبی که به شکل شعر سپید هم درآمده در انتهای کتاب گذاشته شود به صورتی که کتاب با سخنان آقای دکتر محسنی بسته می‌شود. این کتاب ویژگی برای من دارد این است که به نظر من دوتا کتاب است و خود مقدمه‌ی کلایو ادواردز خودش به اندازه یک کتاب قطور با ارزش است. یعنی می‌خواهم این را توصیه کنم که این کتاب را وقتی می‌خوانید جدا از آن ده فصل، چند بار قسمت مقدمه را امیدوارم همه بخوانند و آن خیلی کمک می‌کند. برای من قسمت مقدمه واقعاً یک کتاب است و خود کتاب هم یک کتاب است و خلاصه شده‌ی آن توسط آقای دکتر محسنی بازگشت‌هایی را به کتاب میزند که من فکر می‌کنم خیلی خوب است در پایان کتاب باشد مانند این می‌ماند که یک‌بار کتاب را دوره می‌کنیم برای خود من که این طوری بود. در مقدمه یکی از نکاتی که کلایو ادواردز اشاره می‌کند و چقدر جالب و من هیچ جایی این‌طور موضوعی را نخواندم مبحث سلیقه است به صورتی که اتفاقات اجتماعی، اقتصادی، جنگ و تحولات سیاسی و مصرف‌گرایی بررسی می‌شود و سلیقه خیلی مهم است، این خیلی جالب است، خود من در هیچ کتاب تاریخی ندیده بودم که یک در مورد مبحث سلیقه: سلیقه مصرف‌گرایان، سلیقه کاربران و در کنارش توجه و اهمیت به رشد سلیقه‌ی طراحان دو موردی هست که در اینجا نسبت‌هایش به هم نسبتاً رعایت شده است. مثلاً خصوصیت رنگ و خصوصیت مصالح که تازه بعد از پشت سر گذاشتن دهه‌ی دوم از سال ۱۹۲۵ این مصالح توسط میس وارد می‌شود اما در مورد رنگ می‌گوید که این مصرف‌گرایی هرچقدر که رشد پیدا می‌کند ما رنگ‌ها را تندتر استفاده می‌کنیم یعنی حضور رنگ را مثلاً قرمز را دیگر با ترس نمی‌بینیم و به‌صورت شرابی می‌بینیم آبی را به شکل ترس مثل آبی دریا نمی‌بینیم حالا یک سرمه‌ای می‌بینیم رنگ در واقع جایگاه خودش و مشخصه‌ی خودش را پیدا می‌کند همین‌طور نور، چون این نور است که به کمک رنگ می‌آید و از این حیث مطالب مربوط به دکوراسیون را به‌خوبی کنار معماری داخلی می‌چیند و چه در مقدمه و چه در فصول مختلف کتاب توضیح می‌دهد و مثلاً همین توضیحی که در مورد نور من فاستر دادند. یا مثال دیگری می‌زنم Café Costes فیلیپ استارک در پاریس که همین‌طور است که به‌جز رنگ، مصالح و نور ما دیگر حجم می‌آوریم که نصف حجم در طبقه همکف و نصف در طبقه بالا دیده می‌شود، می‌خواهم بگویم که حضور معماری داخلی همراه با اجرا جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کاملاً جهان شمول می‌شود، درست است که این در مورد اروپا و آمریکا هست ولی به‌راحتی می‌شود بسط این را در دنیا دید مثل اتفاقی می‌افتد برای زها حدید در باکو - آذربایجان آن فرم تندیس گونه‌ی حیدر علی‌اف ادامه‌ی همین تحولات هست که ما به لحاظ فرمی و رنگی می‌بینیم مانند اتفاقی که در برج العرب دبی می‌افتد که در این کتاب نیست برای اینکه در سال ۲۰۰۰ میلادی اتفاق می‌افتد حاصل همین رویکرد است ادامه‌ی رنگ است که باعث معماری داخلی برج العرب می‌شود. می‌خواهم بگویم که خیلی خوب اینها را کنار هم قرار داده است. امیدوارم بتوانم برای چاپ دوم این بیست سال دوم اخیر که از قرن بیست و یک داریم به این کتاب اضافه کنم، خیلی دلم می‌خواهد که این کار را انجام دهم و این کتاب هر ده سال که می‌گذرد تا جایی که من می‌توانم به‌صورت ده سال - ده سال به‌صورت مطالب به‌صورت پژوهش به آن اضافه شود برای اینکه خیلی برایم مهم است و یک نکته‌ی دیگر اینکه چون کتابی که پیش از این چاپ کرده بودم - باز از همین نشر کلهر است. خیلی من به سبک‌های کلاسیک اهمیت داده بودم که آن هم یک کار ترجمه فرانسه از روبر دوشه است. روبر دوشه هم به‌عنوان یک نویسنده فرانسوی همان کاری ادواردز را

می‌کند و شیوه نگرشش متفاوت است منتهی آن کتاب که یکی از دلایلی که من به سمت این کتاب رفتم این است که در آن کتاب من از لحاظ معماری و معماری داخلی سبک کلاسیک سعی کردم طرز تفکرهای مختلف را برایش قرار بدهم ولی از بخش مدرنش و معاصر آن هیچ‌وقت راضی نبودم و خیلی خوشحالم توانستم این کار را بکنم که این برای خودم مکملی برای آن کتاب می‌شود.

محمودی: جالب است اشاره زیادی هم در مورد نور، بافت و رنگ دارید که چقدر تأثیرگذار است. آقای دکتر این کتاب قرار است برای حرفه‌مندان و دانشجویان استفاده شود برای همین برویم سمت ماهیت کتاب که سیاه و سفید است چراکه من عکس‌های قدیمی را که می‌بینم می‌گویم آن زمان عکس‌های رنگی نبوده است. مثل عکس میدان نقش‌جهان که عکس قدیمی سیاه‌وسفید است که می‌گویم آن مواقع کاشی‌هایش ناب‌تر بوده ولی حیف که دوربین رنگی نبوده است و الان می‌بینم که کتاب مجدد سیاه و سفید شده است ولی امکان نگاه کردن رنگی آن هست و این دوباره یک برگشتی هست ولی با یک تکنولوژی جدیدی است، این را آقای دکتر چه کردید؟

جلیلی: البته خیلی برای من سخت بود برای تصمیم‌گیری و لازم است واقعاً از ناشر کتاب هم جناب آقای سمیعی در نشر کلهر هم تشکر کنم برای اینکه ایشان هم برای این کتاب خیلی زحمت کشیدند و حالا بعد از چندین و چند نمونه که به‌عنوان اتود برای من می‌فرستادند این نمونه به نظر من چاپ خوبی دارد و عکس‌ها با اینکه سیاه و سفید است ولی باز هم واضح است. اما تصمیم‌گیری برای اینکه ما کتاب را سیاه و سفید کنیم برای من خیلی سخت بود و من می‌گفتم که خود کتاب اصلی - چون به این کتاب بخش‌هایی اضافه شده است. بخشی از آن سیاه‌وسفید و بخشی رنگی هست و من هم فکر می‌کردم که ما هم باید به همین شکل استناد کنیم و به همین موضوع احترام بگذاریم و تعهد با اصل موضوع کتاب داشته باشیم. اما موضوع قیمت پیش می‌آمد و کاغذ که گران شد و این کتاب شاید نزدیک سه برابر هزینه‌ای که امروزه دارد، برای کسی که می‌خواهد بخرد و من فکر می‌کردم که به‌هرحال درست است که کتاب فروش می‌رود ما هزار جلد چاپ کردیم و فروش می‌رود اما من می‌خواستم که این امکان را بتوانم برای خود این‌طور نگاه کنم که برای همگان میسر کردم به همین خاطر من پذیرفتم که کتاب سیاه‌وسفید باشد و یک QR کدی را در کتاب گذاشتیم. در اینجا خوب است از یکی از دوستان خیلی خوبم هم تشکر کنم به نام آقای مهندس احسان یزدانی و امیدوارم بعداً این رونمایی را ببینند که ایشان هم در مراحل مختلف کتاب چه در مرحله‌ی گردآوری، چه در مراحل اصلاح و چه مراحل چاپ به من کمک کردند. که ما به‌وسیله‌ی موبایل می‌توانیم وارد پیج مربوط به این کتاب بشویم و تک‌تک فصول را به‌صورت رنگی داریم و می‌توانیم از تصاویر رنگی هم استفاده کنیم و در کنار آن اینکه تمام اینها حتی اگر آن هم محیا نمی‌شد به نظر من با یک جستجو خیلی ساده می‌توانستیم این کار را بکنیم یعنی دیگر دستیابی به تصاویر رنگی خیلی اهمیت نداشت برای اینکه می‌شد google کرد اما این را به‌صورت فصل‌بندی در سایت خود انتشارات کلهر در بخش مربوط به کتاب قرار داده‌ایم.

محمودی: یعنی هم یک‌راه حلی است که هم پول زیادی داده نشود، آسان دست مخاطبین برسد و هم اینکه به عکس‌ها با رنگ‌های اصلی‌اش دسترسی داشته باشند.

جلیلی: بله چون در این حرفه کتاب بسیار مهمی است حتماً باید کاغذش گلاسه باشد و هم اینکه حتماً باید رنگی باشد حتی در ابتدا فکر می‌کردم تصاویری که خود کلایو ادواردز گذاشته ما به‌صورت رنگی می‌توانیم استفاده کنیم چون رنگی‌اش هست و روی کاغذ، گرماژ کاغذ، گلاسه و رنگی بودنش بسیار تأکید داشتیم ولی وقتی به قسمت خروجی رسید و محاسبه کردیم دیدم که این قیمت خیلی منصفانه نیست و شاید این‌طور پیش بیاید که دانشجویی بخواهد بخرد و به این فکر کند که الان نخرم و قرض بگیرم. دلم می‌خواست

که این کتاب کتابی باشد که برای هر دانشجوی معماری داخلی که علاقه‌مند هست قابل استفاده باشد و در دسترس باشد که این برای من خیلی مهم بود و به این دلیل به شما واقعاً می‌توانم بگویم که با مشورتی که با همه کردم با خود آقای دکتر محسنی و بقیه دوستان و حتی با خانواده‌ام به این نتیجه رسیدم که نه واقعاً بهتر است کوتاه بیایم که همین کارم کردم. الان از خروجی واقعاً راضی‌ام برای اینکه چاپ خوبی دارد و همین عکس‌های سیاه و سفید را وقتی به آن نگاه می‌کنم می‌بینم که خیلی بهتر از آنچه در ذهن من در اوایل بود چاپ شده است و در واقع این کتاب همان‌طور که توضیح دادم اهمیتش در حضور عکس‌ها نیست چون این عکس‌ها در اینترنت هست و خیلی از این بناها را بیشتر دانشجویان معماری داخلی حفظ هستند و اهمیت این کتاب در مبانی نظری معماری داخلی است که آن دانشجوی می‌تواند درک کند که چه گذشته به احوالات معماران و چه گذشته به احوالات معماری داخلی در غرب و می‌تواند یک هم‌نشینی هم خودش در ایران داشته باشد.

محمودی: آقای دکتر محسنی وقتان خیلی محدود است، آخرین سؤال را شما بفرمایید.

محسنی: من مجموعه‌ی اتفاقاتی که افتاد در کتاب را فکر کنم راجع به آن صحبت کردیم و تنها سؤال آخرم این است که مخاطبین چگونه می‌توانند به کتاب دست پیدا کنند، یا اصلاً توزیع‌شده و یا توزیع خواهد شد؟ روش آن را بفرمایید چون زمانی نداریم خیلی ممنون می‌شوم.

جلیلی: تا هفته گذشته که تمام چاپ کامل نشده بود علاقه‌مندان می‌توانستند با خود انتشارات کلهر تماس بگیرند که این همیشه یک‌راه است مثلاً همین امروز من دنبال یک کتاب از استاد علی‌اکبر صفاییان بودم که آثار نقاشی ایشان داخلش چاپ‌شده است و متوجه شدم که ناشری دارد، ناشر را پیدا کردم و ایشان گفتند چند جلد از این کتاب دارند چون چاپ گذشته هست و من خریدم چون در کتاب‌فروشی‌ها نبود یعنی این موضوع یک روش بسیار روتین برای پیدا کردن یک کتاب است ولی از این هفته که واردش می‌شویم شهر کتاب‌ها، کتاب‌فروشی‌ها، چه با مراجعه و چه با تماس می‌توان تهیه کرد، دیگر الان پخش نهایی آن انجام شده است.

محمودی: بسیار عالی. آقای دکتر الان که چاپ‌شده و خودتان از کتاب، ابعاد، تصاویرش، متن مبانی نظری‌اش و کمکی که آقای محسنی هم در این داشتند راضی هستید، بزرگ‌ترین چالشی که داشتید برای این کتاب چی بوده یا برعکس چقدر آسان و راحت بوده که شما الان اشاره کردید می‌خواهید دو دهه بعدی را هم در چاپ بعدی اضافه کنید یا نه دیگر خسته شدید و می‌خواهید بگویید این آخرین است؟

جلیلی: باید عرض کنم که آن قدر برای من لذت‌بخش بود که خود کتاب اصلی حدود چهارصد صفحه است (این کتاب بیشتر است) را من ظرف یک هفته خواندم و یادداشت‌برداری کردم، من عادت دارم وقتی کتاب می‌خوانم بین آن کاغذ می‌گذارم و یادداشت‌های خودم را می‌نویسم که آن کتاب قطورتر می‌شود و بعد هم پاره می‌شود که باید مجدد صحافی کنم. این کتاب را واقعاً ظرف یک هفته خواندم و آن قدر لذت بردم که دوباره تکرار کردم و بعدش شروع کردم به نوشتن، چالشی که داشتم واقعاً نبود یک منبع فارسی بود یعنی چالشی که با آن دست‌وپنجه نرم می‌کردم که ما به دانشجویانمان به‌جز جزوه در درس تاریخ و مبانی نظری معماری داخلی چی می‌توانیم معرفی کنیم. خیلی کتاب معرفی می‌کنم همین کتاب را به شکل پی‌دی‌اف در کنار کتاب‌های دیگر تا دو - سه ترم پیش هم داده‌ام در دانشگاه‌های مختلف کتاب‌های جان پایل که مخصوصاً به نظر من تنها کتاب‌های اصلی آن بسیار کتاب‌های بی‌نظیری هستند و ترجمه‌های خیلی از آن نداریم و خیلی کتاب‌های دیگر به‌عنوان منبع. چالش اصلی من این بود که چی بدهیم که نه فقط نگاه تاریخی بلکه دید این آدم را به‌عنوان یک دانشجوی دست‌خوش تحولات کنیم و در واقع آن چیزی که در فکر دانشجوی هست را بتواند تکان بدهد،

نکته‌ی دوم خیلی مهم است خود این کتاب من که تجربه‌ام از دانشجو بیشتر است و به هر حال هم در کار پژوهش، اجرا و تدریس هستم می‌توانم به شما بگویم که دریچه‌های جدیدی بار اول به روی من باز کرد یعنی هیچ اصطلاحی بهتر از این که بگویم من را تکان داد نیست و فکر کردم دقیقاً این است همانی که دنبالش هستم ولی چالش اصلی من بود که من مدام در حال دیدن نمونه‌های متفاوت برای عرضه کردن به دانشجو هستم که خودم بتوانم استفاده کنم و دانشجو هم استفاده کند بدون اینکه فکر ترجمه باشد برای خودم همیشه ترجمه می‌کنم، اولین بار کتاب را اصلی چه فرانسه و چه انگلیسی می‌خوانم و بعدش سعی می‌کنم مطالب خودم آن بخش‌هایی که خلاصه کردم و نوشتم را بخوانم و کتاب را پی‌دی‌اف می‌کنم و در اختیار دانشجو می‌گذارم. این کتاب را فکر کردم که واقعاً جایش در کتابخانه‌ی خودم و هر کسی که معماری داخلی می‌خواند خالی است و ما باید یک کتاب به زبان خودمان برای این داشته باشیم و امیدوارم بتوانم یک روزی که این توان را داشته باشم که با این الگو تاریخ معاصر معماری ایران را بتوانم مکتوب کنم و می‌توانم بگویم که این آرزوی من است و امیدوارم روزی در طول دوران کاری من محقق بشود برای اینکه به نظر من بهترین الگو برای نگاه است به یک فرهنگ، به یک تمدن و به یک اجتماع هم مردم، هم مسکن و هم رویداد را ببینیم همه‌ی اینها با هم را این مرد هفتاد و اندی ساله دیده است و این به نظر من بسیار حرکت بزرگی است که ایشان کرده است و می‌توانم بگویم کتابی است که یک سر و گردن از تمام کتاب‌هایی که ایشان تألیف کرده و من خواندم بالاتر است.

محمودی: جالب است که سؤال من این بود که چالش ولی شما جز نکات مثبت چیزی را نگفتید و نکات مثبتی که برای این کتاب بوده است و خیلی با ارزش است که آدم چیزی را خلق کند که از آن راضی باشد و بسیار شما راضی بودید و همین نگاهی که دارید و اشاره کردید امیدوارم که عین این کتاب را برای کشور خودم هم بنویسم و اینکه بحث فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... را داشته باشم. واقعاً تشکر می‌کنم و به شما تبریک می‌گویم که چنین کتابی نوشتید و تبریک به جامعه معماری و خصوصاً جامعه‌ی معماری داخلی می‌گویم و از راهنمایی و کمکی که آقای دکتر محسنی همیشه در این نشست‌ها به من کردند. تشکر می‌کنم واقعاً نشست خوبی بود. وقت‌مان محدود است در حد یک دقیقه شما بزرگواران هر کدام آخرین کلامتان را بفرمایید. آقای دکتر محسنی شما بفرمایید.

محسنی: من باید از شما تشکر کنم که این قدر با خوش‌قلبی شرایطی فراهم می‌کنید که هم به نفع حرفه باشد و هم شخصیت‌هایی که در دایره‌ی شما قرار می‌گیرند علاقه‌مندتر بتوانند چیزهایی که شما مطرح می‌کنید را بتوانند دنبال کنند. آرزوی سلامتی برای شما و برای همه می‌کنم.

محمودی: آقای دکتر جلیلی.

جلیلی: من هم صحبتی ندارم جز تشکر مجدد از شما که واقعاً با مهر خیلی زیادتان نسبت به من یک همچنین جلسه‌ای را برای من تدارک دیدید واقعاً از شما سپاسگزاری می‌کنم و از همه‌ی کسانی که در روند نوشتن و چاپ این کتاب خانواده‌ام، دوستانم که از آنها اسم بردم، آقای دکتر محسنی و ناشر محترم این کتاب از همگی تشکر و سپاس دارم.

محمودی: من تشکر می‌کنم و افتخار می‌کنم که یک چنین کتابی برای جامعه معماری و خصوصاً معماری داخلی چاپ شده است و خوشحالم که در اندیشه‌ی هرم‌پی رونمایی شد. آرزوی موفقیت برای شما بزرگواران دارم و امیدوارم در نشست‌های بعدی هم باز کمک من باشید. خدانگه‌دار.